**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و چهل و سوم\_3 دی1399**

[ادامه بررسی مقام سوم]

مقام ثالث بحث در تنبیه دوم انسداد که بحث بسیار مهمی هم هست و نتیجه بخش هم خواهم بود، در مورد مثل قیاس است.

ما اگر انسدادی بشویم، علی تقریر الکشف، در حقیقت می گوییم شارع حکم کرده است به وجوب عمل به بخشی از ظنونی که خود قبول دارد و تصریح هم می­کند که من بعضی از ظنون را مثل ظن بر خواستۀ از قیاس را قبول ندارم. خب هیچ مشکلی نیست، چون بنابر قول به کشف مدار دست شارع است، هر آن­چه او از ظنون تأیید نکند، از دور استدلال قائل به انسداد علی تقریر الکشف خارج می شود.

اما اگر قائل به انسداد بشویم علی تقریر الحکومة چه باید گفت؟ قائلین به حکومت معیار مرجعیت ظنون را حکم عقل می­دانند، عقل می گوید اگر آن مقدمات انسداد تمام شد، تو در مرحلۀ بعد حال که باب علم و علمی بر تو منسد است، برو سراغ مطلق ظنون. هر ظنی که برای فقیه حاصل شود، طبیعتا قابل قبول خواهد بود، حال چگونه الا القیاس را در اینجا تفسیر کنیم، مگر نه این است که احکام عقلیه تخصیص بردار نیست. یا حکم عقل هست، و یا نیست. این که حکم عقل باشد، استثناء بپذیرد معنا ندارد، چون لازمه­اش تناقض است، از یک طرف می گوید ظنون مرجعیت دارد، از یک طرف ظنی را با این که ظن است و با دیگر ظنون تفاوتی ندارد، او را خارج می کند لذا می فرمایند احکام عقلیه تخصیص بردار نیست. اگر بناست موردی از حکم عقل خارج شود، این باید به صورت تخصص باشد.

این اشکال اساسی ماست در این مقام.یک اشکال دیگر هم داریم که طرحش را هم می گذارم برای بعد از این اشکال.

اما در مورد اشکال توجیهاتی و جواب­هایی را داده­اند، این جواب ها را معمولا حضرات طلاب ما مطلع نیستند چون بحث انسداد نخوانده اند و شاید برای بعضی تازگی هم داشته باشد:

[جواب میرزای قمی به مسأله]

جواب اول از میرزای قمی اعلی الله مقامه الشریف است که می فرماید قیاس در امثال ما ممنوع نیست، حرام نیست عمل به آن، بیان میرزای قمی با توضیح شیخ انصاری رضوان الله تعالی علیهما این است:

شما به ما بفرمائید دلیل حرمت قیاس چیست؟ اگر دلیل بر حرمت قیاس را اخبار متواتره به تواتر معنوی می دانید که در وسائل هم مرحوم حر عاملی جمع آوری کرده است، اگر مرادتان این روایات باب 6 از ابواب صفات قاضی وسائل است که دلالت می کند بر حرمت قیاس، این را باید توجه کنید که بعضی از این اخبار در مقابله با معاصرین ائمه صلوات الله علیهم اجمعین است، یعنی عامه، فقها اهل سنت التارکین لثقلین، آن رجوع به قرآن شان هم فیه بحث. رجوع به عترت که اساسا ندارند، چرا ترک الثقلین؟ **حیث ترکوا الثقل الاصغر الذی عنده علم الثقل الاکبر**، وقتی دنبال اهل بیت قرآن نرفتند، در حقیقت قرآن را هم کنار زدند پس **ترکوا الثقلین و رجعوا الی اجتهاداتهم و آرائهم، رجعوا الی القیاس و الاستصحاب، ضلوا و اضلوا.**

روایاتی هم در این باره در بحار الانوار و کتاب های دیگر داریم.

پس یک طائفه از روایات حرمت قیاس، از آن جهت است که آنان اساساً در خانۀ اهل بیت علیهم السلام نمی­روند و مبنای اجتهادشان، برداشت های شخصی خودشان از قرآن و آن گاه قیاس و استحسان و برخی از روایاتی که نقل کرده اند، این آنچیزی است که توسط اهل بیت نهی شده است، حرام شده است.

اما مگر فقیه شیعی انسدادی می خواهد در خانۀ اهل بیت علیهم السلام نرود؟ شیوه فقیه شیعی حتی انسدادی با شیوه فقهاء اهل سنت متفاوت است.

بعضی از روایات قیاس دلالت می کند بر این که چون قیاس ظن است و ظن هم لا یغنی من الحق شیئا، پس دنبال قیاس نباید رفت. و بعضی دیگر طائفه سوم روایات قیاس، دلالت بر حرمت قیاس می کند از آنجا که قیاس مبطل دین است و از بین برندۀ سنت است، چون غالیا خلاف واقع را نشان می دهد و بالاخره طائفۀ چهارم روایات قیاس، دلالت بر حرمت قیاس می کند و وجوب توقف و حکم نکردن، حکم نکن اگر غیر از قیاس چیزی نیافتی.

در مورد این طائفه اخیر مرحوم میرزای قمی، با توضیح شیخ انصاری می فرماید این که دراین روایات می گوید **اذا لم یوجد ما عداه** لازمه اش این است که حرمت قیاس اختصاص داشته باشد به صورت تمکن **من ازالة التوقف لاجل العمل بالرجوع الی الائمه الهدی**،

می گوید اگر دیدی به صورت ظاهر یک راه است آن هم قیاس حکم نکن، برو سراغ ائمه هدی علیهم السلام. یا این توجیه را می کنیم یا این توجیه را که مساله از عملیات نیست، یعنی بحث قیاس مربوط به اعتقادات است، نه مربوط به فروع فقهیه.

بعد از این که این را می فرمایند، حرف میرزا این است که هیچ یک از این چهار طائفه از روایات قیاس، دلالت بر حرمت عمل به قیاس به صورت مطلق و عام نمی کند. مثلا هیچ یک از این روایات نمی گوید اگر دست از علم به واقع بسته شد، اگر دستت از طریق علمی شرعی، ظن خاص بسته شد، باز هم سراغ قیاس نرو.

این روایات می گوید آنجا که بالاخره شما گمان می کنید راهی و لو به صورت احتمال به کلمات اهل بیت دارید، تا آنجا که می­شود در خانۀ اهل بیت را رها نکنید، اما نمی گوید که اساسا باب قیاس را حتی در امثال زمان ما که راه رسیدن به علم و علمی بسته است، و یک راه در کنار راه های دیگر به نام قیاس هست، از این هم استفاده نکنید.

خلاصة الکلام، اگر این روایات مربوط باشد به عملیات و صرف اعتقادات نباشد، می گوییم اطلاق زمانی نسبت به زمان ما ندارد. به عبارت دیگر شما فرق بگذارید بین زمان صدور روایات که مردم دسترسی به محضر معصوم کم و بیش داشتند با زمان ما که زمان انسداد باب علم و علمی است.

و للکلام تتمة مهمه ان شاء الله در جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.